

خلاصه درس



■ دو گزاره اصل مغایرت وجود و ماهیت

حمل بدون نیاز به دلیل

گزاره اول: «انسان حیوان ناطق است»

- وقتی می‌گوییم انسان حیوان ناطق است، حیوان و ناطق از اجزای تعریف انسان و همان چیستی اوست و گویای ذات و حقیقت انسان است. - این دو مفهوم جدایی‌ناپذیرند. در حقیقت دو لفظ مختلف برای یک مفهوم و یک موجود هستند و تفاوت این دو اسم صرفاً در اجمال و گستردگی آن‌ها است، مثل اینکه می‌گوییم «مثلث سه‌ضلعی است». - پس حمل حیوان ناطق برای انسان یک حمل ضروری است، یعنی دلیل نمی‌خواهد. زیرا وقتی می‌گوییم «انسان حیوان ناطق است» کسی نمی‌پرسد «چرا؟» زیرا همه می‌دانند که «حیوان ناطق» مفهوم گسترده‌شده انسان است و «انسان» همان اجمال «حیوان ناطق» است.

حمل نیازمند دلیل

گزاره دوم: «انسان موجود است»

- در قضیه «انسان موجود است» مفهوم موجود از مفهوم انسان جداست و جزء تعریف آن قرار نمی‌گیرد. انسان می‌تواند موجود باشد، می‌تواند موجود نباشد؛ یعنی رابطه ضروری بین آن‌ها نیست و می‌توان از چرایی آن سؤال کرد. - حمل «وجود» بر هر چیزی، از جمله «انسان» و چیزهای دیگر نیازمند دلیل است. این دلیل می‌تواند از حس و تجربه یا از روش عقلی محض به دست آید. - اگر مفهوم وجود عین ماهیت یا جزء آن بود، مشکلات زیر به وجود می‌آمد:

- ۱ اثبات وجود هیچ ماهیتی دلیل نمی‌خواست.
- ۲ تصور هیچ ماهیتی از تصور وجود جدا نمی‌بود.
- ۳ همه ماهیات یکی می‌شدند ← اگر وجود عین ماهیت باشد.

گذری تاریخی

- به علت توجه ابن‌سینا، بحث «مغایرت وجود و ماهیت» مقدمه بحث‌های جدیدی قرار گرفت، به گونه‌ای که می‌گویند: «فرق بین ماهیت و وجود بی‌تردید یکی از اساسی‌ترین آرا و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است.»
- ابن‌سینا این نظریه را برای اثبات یکی از برهان‌های معروفش برای اثبات وجود خدا به اسم «وجوب و امکان» به کار برد.

■ توماس آکوئیناس و تأثیرات فلسفی او در اروپا

- فیلسوف بزرگ اروپایی بود که با نظرات ابن‌سینا آشنایی داشت.
- بحث مغایرت وجود و ماهیت ابن‌سینا را در اروپا گسترش داد و موجب مناقشات فراوانی در آنجا شد.
- مانند ابن‌سینا نظریه مزبور را پایه برهان‌های خود در خداشناسی قرار داد و پایه‌گذار فلسفه تومیسیم در اروپا شد که هنوز هم به نام وی جریان دارد.
- فلسفه‌ای را در اروپا پایه‌گذاری کرد (قرن ۱۳ م) که بیشتر متکی به دیدگاه‌های «ابن‌سینا» و تا حدودی «ابن‌رشد» بود.
- همین عامل زمینه‌ای شد تا فلاسفه غرب از طریق ابن‌سینا و ابن‌رشد مجدداً با فلسفه ارسطویی آشنا شوند.

درس ۱: هستی و چیستی

- یکی از مباحث اولیه فلسفه، درک دو مفهوم «هستی» و «چیستی» (وجود و ماهیت) و تعیین نسبت میان آن دو است.
- دو مفهوم هستی و چیستی از پرکاربردترین مفاهیم در میان انسان‌ها می‌باشند و معمولاً در کنار یکدیگر به کار می‌روند.

قدم اول

- چیزهایی که در اطراف ما هستند به دو شکل می‌باشند:
 - واقعی: چیزهایی که بر حسب نیاز از آن‌ها استفاده می‌کنیم و نیازمان را برطرف می‌سازیم، یعنی قبول داریم که مثلاً غذا و آب واقعاً هست.
 - غبرواقعی: چیزهایی که فکر می‌کردیم واقعی است، اما اندکی بعد به اشتباه خود پی برده‌ایم و متوجه شده‌ایم که واقعیت ندارد و خیالی است مانند، سراب.

قدم دوم

- انسان با مشاهده هر چیز دو جنبه می‌یابد:

موجود بودن
چیستی داشتن

- وجود وجه مشترک موجودات و ماهیت وجه اختصاصی آن‌ها است.

قدم سوم

- فارابی: به نسبت میان «وجود» و «ماهیت» توجه ویژه‌ای داشت و برای نشان دادن تمایز این دو مفهوم چند نکته را مطرح کرد.

- ابن‌سینا: او راه فارابی را در پیش گرفت و بیان کرد: وقتی می‌گوییم «هستی» و «چیستی» دو جنبه یک چیزند، به این معنا نیست که آن‌ها دو جزء از یک چیزند که با هم ترکیب یا جمع شده‌اند، بلکه تفاوت آن‌ها فقط در ذهن و از جهت مفهوم است.

مثال: از نگاه علم شیمی، آب ترکیبی از دو عنصر اکسیژن و هیدروژن است.

در حالی که از نگاه فلسفی آب یک موجود واحد و غیرمرکب، ولی با دو جنبه مختلف است: ① مفهوم چیستی (آب) ② مفهوم هستی (وجود داشتن آب) و در خارج، دو امر جداگانه به نام «آب» و «وجود» نداریم.

قدم چهارم

- ابن‌سینا که تمایز میان «وجود» و «ماهیت» در ذهن را «مغایرت وجود و ماهیت» نامیده است، دلایلی را بر آن ذکر کرد. او می‌گوید در دو گزاره «انسان حیوان ناطق است.» و «انسان موجود است.» حمل «وجود» با حمل «حیوان ناطق» برای انسان متفاوت است.

درس ۲ : جهان ممکنات



درباره جهان هستی پرسش‌هایی مطرح می‌شود از جمله:

- ① جهان متناهی است یا نامتناهی؟
- ② این جهان همواره بوده است یا آغازی مانند «مه‌بانگ» دارد؟
- ③ هستی منحصر به طبیعت است یا عوالم دیگری هم وجود دارد؟
- ④ آیا علاوه بر موجودات جسمانی، موجودات غیرجسمانی هم هستند؟
- ⑤ آیا موجودات این جهان، چه متناهی و چه نامتناهی، می‌توانستند نباشند؟

نسبت‌های سه‌گانه در فضاها

■ رابطه ضروری و وجوبی: قضیه «عدد چهار زوج است» را در نظر بگیرید، میان موضوع «عدد چهار» و محمول آن «زوج»، یک رابطه ضروری برقرار است، یعنی می‌توانیم بگوییم «ضروری است که عدد چهار زوج باشد» این ضرورت بدین معنی است که **موضوع ضرورتاً باید محمول را بپذیرد.**

■ رابطه امکانی: اگر نسبت میان موضوع و محمول قضیه ممکن باشد: یعنی موضوع هم **بتواند محمول را بپذیرد و هم نتواند نپذیرد**، به آن رابطه امکانی می‌گوییم: مثل اینکه بگوییم «**هوا سرد است**». این یعنی ممکن است سرد باشد یا نباشد و گرم باشد: یعنی ضرورتی ندارد حتماً هوا سرد باشد یا نباشد.

■ رابطه امتناعی: بعضی وقت‌ها موضوع **حتماً نمی‌تواند محمول را بپذیرد**، مثل اینکه بگوییم مثلث چهارضلعی است. در این قضیه امکان ندارد که موضوع «مثلث» محمول «چهارضلعی» را بپذیرد و آن را رد می‌کند و یا به اصطلاح امتناع می‌کند که این رابطه همان رابطه امتناعی است.

• بنابراین بین موضوع و محمول‌ها در فضاها سه گونه رابطه وجود دارد، بعضی رابطه‌ها امکانی، رابطه برخی وجوبی و برخی هم رابطه امتناعی دارند.

رابطه وجود با موضوعهای مختلف

■ اقسام وجود: حال اگر مفهوم وجود را محمول موضوعات مختلف قرار دهیم، بر اساس رابطه آن دو، به سه نوع ماهیت می‌رسیم:

۱. **واجب‌الوجود:** که همواره باید وجود داشته باشد و وجود برای آن ضروری است مثل خدا.
۲. **ممتنع‌الوجود:** که به هیچ وجه امکان وجود یافتن ندارد و وجود برای آن محال است مثل، مثلث چهارضلعی.
۳. **ممکن‌الوجود:** که می‌تواند موجود بشود یا نشود و ضرورت عدم یا وجود ندارد مثل، درخت، اژدها و...

تحلیل و تبیین

• **فارابی و ابن‌سینا** در مورد ممکن‌الوجود می‌گویند، اگرچه این قبیل موجودات در ماهیت و ذات خود ممکن‌الوجود هستند و با «وجود» رابطه امکانی دارند، اما همین رابطه امکانی به آن‌ها اجازه می‌دهد که اگر علت وجود آن‌ها فراهم شود، آن‌ها نیز پا به اقلیم وجود بگذارند و موجود شوند.

• به عبارت دیگر وقتی می‌گوییم رابطه ماهیت «انسان» با «وجود» یک **رابطه امکانی** است ← منظورمان این است که انسان هم می‌تواند باشد و هم می‌تواند نباشد. ذات او به گونه‌ای نیست که حتماً باشد و همچنین ذاتش به گونه‌ای نیست که حتماً نباشد.

• **با بودن علت، «وجود» برای انسان ضروری می‌شود و انسان واجب‌الوجود و موجود می‌شود، یعنی در حال حاضر همه اشیایی که موجودند «واجب‌الوجود» هستند ← اما به واسطه علت‌هایی که خارج از ماهیت آن‌ها قرار دارند، این موجودات «واجب‌الوجود بالغیر» هستند.**

درس ۳ : جهان علی و معلولی



• انسان از همان اوایل کودکی از «چیستی» و «چرایی» سؤال می‌کند. برخی از کودکان که روحیه پرسشگری بیشتری دارند بعد از شنیدن پاسخ هر سؤال، «چرای» بعدی را مطرح می‌کنند. چراها با بزرگ‌تر شدن کودکان بیشتر و عمیق‌تر می‌شود و تا پایان عمر ادامه می‌یابد.

رابطه علت

• یکی از کهن‌ترین مسائل فلسفی، مسئله علت و معلول است.
 • شاید نخستین مسئله‌ای که فکر بشر را به خود متوجه ساخته و او را به تفکر و اندیشه وادار کرده است، چگونگی رابطه علت و معلول باشد.
 • انسان از همان ابتدای ظهور خود بر روی این کره خاکی به دنبال علت‌یابی بوده و برای یافتن علل پدیده‌ها تلاش کرده است.

• **علت** ← چیزی است که به معلول وجود می‌دهد و وجود معلول متوقف بر وجود آن است، یعنی تا علت نباشد معلول هم پدید نمی‌آید.

• **معلول** ← چیزی است که وجودش را از چیز دیگر - که همان علت است - می‌گیرد: یعنی در وجود خود نیازمند دیگری است.

• رابطه وجودبخشی میان علت و معلول را «رابطه علت» می‌گویند.
 • بنابراین رابطه علت رابطه‌ای وجودی است که در آن یک طرف (علت) به طرف دیگر (معلول) وجود می‌دهد.

• کلمه «چرا» بازتابی از درک همین رابطه است. «چرا» یعنی «به چه علت؟»، «علت حادثه چیست؟»

تفاوت رابطه علت با سایر روابط

• **توجه** رابطه علت رابطه‌ای وجودی است، یعنی وجود یکی ضرورتاً وابسته به وجود دیگری است: یعنی مانند رابطه دوستی نیست که در آن ابتدا وجود دو فرد فرض می‌شود و سپس میان آن‌ها دوستی برقرار می‌شود.

بررسی دو دیدگاه مختلف در مورد اصل علت

دیدگاه برخی فیلسوفان اروپایی

• **دکارت:** او معتقد بود که اصل علت بدون دخالت تجربه به دست می‌آید و جزء مفاهیم اولیه‌ای است که انسان به‌طور فطری درک می‌کند. یعنی هر انسانی با درکی از رابطه علت متولد می‌شود و درک این رابطه نیاز به تجربه و آموزش ندارد، ولی یافتن مصداق‌های علت و معلول نیازمند تجربه و آموزش است.

• **تجربه‌گرایان (امپریست‌ها):** آن‌ها که هر چیزی را بر اساس حس و تجربه تحلیل می‌کنند معتقدند که انسان از طریق حس به **توالی پدیده‌ها** پی می‌برد و رابطه علت را بنا می‌نهد. مثلاً چون همیشه خورشید باعث می‌شود زمین روشن شود و وقتی خورشید نیست زمین تاریک می‌شود، انسان به مرور متوجه این می‌شود که بین این دو پدیده، رابطه‌ای است؛ یعنی یک رابطه ضروری میان طلوع خورشید و روشن شدن زمین یافته و اسم این رابطه را «علت» گذاشته است.

• **دیوید هیوم:** فیلسوف قرن هجدهم انگلستان است که می‌گوید: درست است که تنها راه شناخت واقعیات، حس و تجربه است، اما اصل علت و رابطه ضروری میان علت و معلول را نمی‌توان از مشاهده حس و تجربه به دست آورد. از نظر هیوم حس فقط می‌تواند اجسام و رنگ‌ها و شکل‌ها و اموری از این قبیل را به ما نشان دهد.

• **مثال** چشم می‌بیند که با آمدن خورشید زمین روشن می‌شود، اما اینکه خورشید علت روشنی زمین باشد، با حس قابل رؤیت نیست.

• **تداعی:** از نظر او بر اثر مشاهده تکرار و توالی طلوع خورشید و روشن شدن زمین، در ذهن ما یک رابطه ضروری منعکس می‌شود و این تداعی چیزی جز یک امر روانی ناشی از توالی پدیده‌ها نیست.

از این طریق، عادت کرده‌ایم چیزی را علت چیزی دیگر بنامیم.

ردیف	سؤالات	نمره
درس اول		
۱	درستی یا نادرستی عبارتهای زیر را مشخص کنید. الف) «وجود» وجه مشترک موجودات است و «ماهیت» وجه اختصاصی آنها ب) حمل «وجود» بر هر «هستی» از جمله «انسان» نیازمند دلیل است.	۰/۵
	درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/> درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/>	
۲	جاهای خالی را کامل کنید. انسان در هر چیزی که مشاهده می کند دو جنبه می یابد: «.....» و «.....»	۰/۵
۳	به سؤالات زیر پاسخ دهید. الف) بحث مقایرت وجود و ماهیت توسط کدام فیلسوف مطرح شد و دلایل اهمیت آن چیست؟ ب) توماس آکوئیناس نظریه ابن سینا را پایه کدام برهان خود قرار داد و پایه گذار کدام مکتب در اروپا شد؟	۱/۵ ۰/۵
درس دوم		
۴	مفاهیم سه گانه ضرورت، امکان و امتناع را با ذکر مثال تعریف کنید.	۱/۵
۵	از نظر فارابی و ابن سینا موجودات ممکن الوجود چگونه موجود می شوند؟	۱
درس سوم		
۶	گزینه صحیح را انتخاب کنید. الف) در یک رابطه علیت، مثل معلول در به علت نیازمند است. ب) ابن سینا و هیوم در کدام یک از دیدگاههای زیر با یکدیگر اشتراک نظر دارند؟ ج) کدام گزینه درست است؟	۰/۵ ۰/۵ ۰/۵
	(۱) رابطه نظم - وجود (۲) تولد یک نوزاد - ماهیت (۳) قانون جاذبه - واقعیت (۴) آفرینش جهان - هستی (۱) با عقل می توان اصل علیت را تبیین کرد. (۲) توالی حوادث متکی بر رابطه علیت است. (۳) علیت را با تجربه نمی توان دریافت. (۴) هر داده تجربی مبتنی بر قاعده علیت است. (۱) هر معلولی با قطع نظر از علت، امتناع وجود دارد. (۲) با وجود علت، حالت امکانی معلول برطرف می شود. (۳) هر واقعیتی در جهان طبیعت، حالت امکانی دارد. (۴) در ذات هر معلول، مقداری از ضرورت وجود دریافت می شود.	
۷	به سؤالات زیر پاسخ دهید. الف) مقصود از «علت» و «معلول» چیست؟ ب) مفهوم تدامی را با ذکر مثال نزد هیوم توضیح دهید.	۱ ۱
درس چهارم		
۸	جاهای خالی را با عبارات مناسب کامل کنید. الف) ابن سینا در مهم ترین کتاب فلسفی خود یعنی «.....»، درباره «.....» و مفاهیم دیگری از قبیل «.....» سخن گفته و تلاش کرده نظر مردم را در مورد این مفاهیم تصحیح نماید. ب) در مواردی که معلول از مجموعه ای از عوامل پدید می آید، مجموعه عوامل را می نامند.	۰/۵ ۰/۵
۹	گزینه درست را انتخاب کنید. الف) اگر کسی معنای دوم اتفاق را پذیرفته باشد، همه موارد زیر، به جز را باید بپذیرد. ب) در رابطه با علت ناقصه، کدام گزینه نادرست است؟	۰/۵ ۰/۵
	(۱) وجود هرج و مرج در جهان (۲) عدم انجام هیچ فعلیتی (۳) بی اعتباری تمام علوم (۴) کشف علت پدیده ها (۱) علت حقیقی تشکیل معلول نیست. (۲) با معلول خود هیچ سنخیتی ندارد. (۳) تحقق آن تحقق معلول را ضروری نمی کند. (۴) به معلول خود وجود نمی بخشد.	
۱۰	معانی اتفاق را فقط نام ببرید.	۱

ردیف	سوالات	نمره						
۱	<p>تعیین کنید کدام عبارت درست و کدام یک نادرست می باشد.</p> <p>الف) دلیل حمل وجود بر هر ماهیتی، از طریق حس و تجربه یا عقل محض قابل شناسایی است.</p> <p>ب) از نظر هیوم، درک رابطه ضروری میان علت و معلول از طریق تجربه به دست می آید. پرتکرار</p> <p>ج) از نظر دموکریتوس، برخورد اتفاقی ذرات ریز سرگردان سبب پیدایش عناصر و اشیای فعلی در جهان شده است.</p> <p>د) توانایی افراد در تعقل و استدلال یکسان بوده و بی نیاز از تمرین می باشد.</p> <p>ه) حکمای یونان باستان خدای جهان آفرین را «مзда» می نامیدند.</p> <p>و) از نظر قطب الدین رازی، اساس و بنیان حکمت اشراق، کشف و شهود است.</p>	۱/۵						
۲	<p>جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.</p> <p>الف) ویژگی های مخصوص یک شی را در منطق و فلسفه آن شیء می گویند.</p> <p>ب) ملاصدرا وابستگی و نیازمندی موجودات جهان به غیر را نامید.</p> <p>ج) فیلسوفان مسلمان، اساس پذیرش هر اعتقاد و آئینی را می نامند.</p> <p>د) شیخ اشراق، خالق هستی را نور محض می داند و او را می نامد.</p>	۱						
۳	<p>گزینه مناسب را از میان کلمات داخل پرانتز انتخاب کنید.</p> <p>الف) رابطه وجود با «روح» (امکانی - وجوبی) می باشد.</p> <p>ب) پشتوانه نظم دقیق جهان، اصل (وجوب بخشی علت به معلول - سنخیت علت و معلول) است.</p> <p>ج) از نظر (دکارت - اوگوست کنت) کار عقل در تأسیس فلسفه، ذهنی است.</p> <p>د) اولین فیلسوف مشهور مسلمان (کندی - فارابی) بود.</p> <p>ه) از نظر ملاصدرا، واقعیت خارجی ما بازاء و مصداق (وجود - ماهیت) است. پرتکرار</p>	۱/۲۵						
۴	<p>رابطه موضوع و محمول در هر یک از قضایای ذکر شده، از نوع وجوبی است یا امکانی یا امتناعی؟</p> <table border="1" style="width: 100%; text-align: center;"> <tr> <td>الف: هدد پنج، زوج است</td> <td>ب: مربع، شکل است</td> <td>ج: این خانه، بزرگ است</td> </tr> <tr> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> </tr> </table>	الف: هدد پنج، زوج است	ب: مربع، شکل است	ج: این خانه، بزرگ است	۰/۷۵
الف: هدد پنج، زوج است	ب: مربع، شکل است	ج: این خانه، بزرگ است						
.....						
۵	<p>هر یک از گزاره های زیر، نظر کدام فیلسوف درباره خداوند است؟ (از ستون سمت چپ انتخاب کرده در مقابل آن بنویسید). پرتکرار</p> <p>الف) نوعی از هستی وجود دارد که پیوسته ثابت است.</p> <p>ب) تصور من از حقیقتی نامتناهی که به وسیله او خلق شده ام، از خود من نیست.</p> <p>ج) دلیل وجود خداوند عمدتاً در تجربه های شخصی درونی ما نهفته است.</p> <p>○ کرگور</p> <p>○ افلاطون</p> <p>○ ویلیام جیمز</p> <p>○ دکارت</p>	۰/۷۵						
۶	<p>به سؤال های زیر پاسخ کوتاه بدهید.</p> <p>الف) یک فیلسوف مسلمان و یک فیلسوف غربی که نظریه مغایرت وجود و ماهیت را پایه برهان های خود در خداشناسی قرار دادند، نام ببرید.</p> <p>ب) دو مورد از ویژگی های موجودات عالم عقل را از نظر فیلسوفان الهی بنویسید.</p> <p>ج) دو مورد از زمینه های رشد فلسفه در جهان اسلام را نام ببرید.</p> <p>د) هر یک از موضوعات زیر در کدام کتاب ابن سینا مطرح شده است؟</p> <p>۱) آخرین دیدگاه های ابن سینا در حکمت (۲) فرهنگ نامه پزشکی</p> <p>ه) حاصل مذاکرات هائری کرن با علامه طباطبایی چه کتاب هایی است؟</p> <p>..... (۱) (۲)</p>	۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵						

۱۷ براساس کاری که عقل انجام می‌دهد. (درس ۷) (۰/۵)

۱۸ دکارت عقل را صرفاً یک دستگاه استدلال به حساب می‌آورد. نه به عنوان یک حقیقت برتر و متعالی در جهان و انسان (۰/۵) او به همه توانایی‌های عقل مانند بدیهیات عقلی، استدلال‌های عقلی محض و نیز تجربه توجه داشت. (۰/۵) او معتقد بود که عقل می‌تواند وجود خدا، نفس مجرد انسان و اختیار او را اثبات کند. (درس ۷) (۰/۵)

۱۹ تنگ و محدود کردن دایره اعتبار و کارآمدی عقل در عین پذیرش آن (یا: برخی روش‌های عقلی در مسائل دینی کاربردی ندارد). مخالفت با فلسفه و منطق، تحت عنوان دستاوردی یونانی و غیراسلامی (یا: مخالفت با فلسفه که عالی‌ترین شکل تعقل است). (درس ۸) (۱)

۲۰ الف) عامل فیض‌رسانی به عقل انسان‌ها (یا واسطه فیض هستی میان مراتب بالاتر از خود و عالم طبیعت و انسان) (درس ۸) (۰/۵) ب) آفتاب نسبت به چشم (درس ۸) (۰/۵)

۲۱ اولین مرحله عقل، «عقل هیولانی» نام دارد و آن هنگامی است که انسان هیچ ادراک عقلی ندارد: (۰/۲۵) اما استعداد و آمادگی درک معقولات را دارد. (۰/۲۵) مانند انسانی که تازه متولد شده است. (۰/۲۵) سومین مرحله، «عقل بالفعل» نام دارد. (۰/۲۵) در این مرحله، عقل شکوفا شده و به فعلیت رسیده (۰/۲۵) و با تمرین و تکرار، دانش‌هایی را کسب کرده است. (درس ۸) (۰/۲۵)

۲۲ حکیم متأله (درس ۱۰) (۰/۲۵)

۲۳ مغرب کامل (درس ۱۰) (۰/۲۵)

۲۴ الف) مرتبه‌ای از هستی که رو به سوی مقصدی خاص دارد و این مقصد در ذات عالم طبیعت است. (درس ۱۰) (۰/۵) ب) علت نام‌گذاری این عالم به «طبیعت» بدان جهت است که اجزای این عالم هر کدام طبع و ذات خاصی دارند (۰/۵) و خود این عالم نیز به عنوان «کل» طبع و ذاتی دارد که منشأ و مبدأ حرکات و تحولات آن است. (درس ۱۰) (۰/۵)

۲۵ صدرائی (یا ملاصدرا یا حکمت متعالیه) (درس ۱۱) (۰/۲۵)

۲۶ الف) به نظر طرفداران «اصالت ماهیت»، امر واقعی و خارجی، مصداق ماهیت است (۰/۲۵) یعنی آنچه واقعی است، ماهیت است نه وجود (۰/۲۵) و «وجود» صرفاً مفهوم انتزاعی ذهنی است. (۰/۲۵) به نظر طرفداران «اصالت وجود» وجود است که اصیل و واقعی است (۰/۲۵) و واقعیت خارجی، مابزاء و مصداق وجود است. (۰/۲۵) پس وجود اصالت دارد نه ماهیت (۰/۲۵) فیلسوف معتقد به اصالت ماهیت: میرداماد (۰/۲۵) فیلسوف معتقد به اصالت وجود: ملاصدرا (درس ۱۱) (۰/۲۵) ب) از نظر ملاصدرا با توجه به اینکه هستی، یک حقیقت واحد است، اما این حقیقت واحد دارای درجات، مراتب و شدت و ضعف است. (۰/۲۵) وجود که حقیقت واحدی است، در تجلیات و ظهورات خود دارای مراتب می‌شود (۰/۲۵) و هر مرتبه‌ای از وجود به میزان درجه وجودی خود ظهور آن حقیقت واحد و یگانه است. (درس ۱۱) (۰/۲۵)

← آزمون ۹ - شهریور ۱۴۰۰ (نوبت دوم)

۱ الف) درست (درس ۱) (۰/۲۵) ب) نادرست (درس ۳) (۰/۲۵) ج) نادرست (درس ۶) (۰/۲۵) د) درست (درس ۷) (۰/۲۵)

۲ الف) وجود (درس ۱) (۰/۲۵) ب) امکانی (درس ۲) (۰/۲۵) ج) دینی (درس ۸) (۰/۲۵) د) اشارات و تنبیهات (درس ۱۰) (۰/۲۵)

۳ الف) سنخیت (درس ۲) (۰/۲۵) ب) وجوب و امکان (درس ۶) (۰/۲۵) ج) دلیل و برهان (درس ۷) (۰/۲۵) د) مزدا (درس ۷) (۰/۲۵) ه) نور (درس ۱۰) (۰/۲۵)

۴ الف) امتناع (درس ۲) (۰/۲۵) ب) امکان (درس ۲) (۰/۲۵) ج) امکان فقری (درس ۲) (۰/۲۵) د) ارسطو (درس ۵) (۰/۲۵) ب) کانت (درس ۵) (۰/۲۵)

۶ الف) زیرا شکل سه‌ضلعی از اجزای تعریفی مثلث و چپستی آن است (۰/۲۵) و گویای ذات و حقیقت مثلث است. (درس ۱) (۰/۲۵) ب) کرگتور - ویلیام جیمز - برگسون - کاتینگهام (درس ۵) (۰/۵) ج) تحت تأثیر مطالعه کتاب‌های ابن‌سینا و ابن‌رشد و سایر فیلسوفان مسلمان (درس ۷) (۰/۵) د) عقل اول (۰/۲۵) - موجودی روحانی و غیرمادی است. (درس ۸) (۰/۲۵) ه) استدلال عقلی - شهود - وحی (درس ۸) (۰/۲۵) و حکیم متأله (درس ۱۰) (۰/۵)

۷ الف) رابطه وجودبخشی میان علت و معلول را رابطه علت می‌گویند. (۰/۲۵) رابطه‌ای وجودی است که در آن، یک طرف، یعنی علت به طرف دیگر، یعنی معلول، وجود می‌دهد. (۰/۲۵) یعنی یک طرف، وابسته به طرف دیگر است. (۰/۲۵) مانند رابطه دوستی نیست (۰/۲۵) که در ابتدا وجود دو فرد فرض می‌شود (۰/۲۵) و سپس میان آن‌ها رابطه دوستی برقرار می‌شود. (درس ۳) (۰/۲۵) ب) من از حقیقتی نامتناهی و علیم و قدیر که خود من و هر چیز دیگر به وسیله او خلق شده‌ایم، تصویری دارم. (۰/۲۵) این تصور نمی‌تواند از خودم باشد (۰/۲۵): زیرا من موجودی متناهی هستم (۰/۲۵) پس این تصور از وجودی نامتناهی است. (درس ۵) (۰/۲۵) ج) به هر موجودی نگاه می‌کنیم، وجودش عین وابستگی و نیاز است. (۰/۵) موجودات وابسته باید به وجودی متصل باشند که در ذات خود، غیرنیازمند و برخوردار باشد. (۰/۵) پس موجودات این جهان وابسته به وجودی بی‌نیاز و غیروابسته هستند. (درس ۶) (۰/۵) د) عقل از آن جهت که درباره موجودات و چگونگی آن‌ها بحث می‌کند، مانند بحث درباره خدا و درجه حرارت آب و غیره، عقل نظری نام دارد. (۰/۲۵) عقل از آن جهت که درباره رفتارهای اختیاری انسان و بایدها و نبایدهای او مانند باید راست بگوید، نباید دروغ بگوید، بحث می‌کند، عقل عملی نام دارد. (درس ۷) (۰/۲۵) ه) اگوست کنت، عقل فلسفی و کار عقل را در تأسیس فلسفه کاملاً ذهنی خواند و گفت که نگاه فیلسوفان به جهان و هستی ناظر بر واقعیت نیست؛ بلکه ساخته ذهن آنان و حاصل تأملات ذهنی است. (درس ۷) (۰/۲۵) و دلیل آن‌ها این بود که دانش فلسفه از یونان وارد جهان اسلام شده است و دربردارنده عقاید کسانی مانند سقراط و افلاطون و ارسطو است و این عقاید با عقاید اسلامی سازگار نیست. (درس ۸) (۱) ز) در سومین مرحله، عقل شکوفا شده و به فعلیت رسیده (۰/۵) و با تمرین و تکرار دانش‌هایی را کسب کرده است. (درس ۸) (۰/۵)

۸ از نظر ابن‌سینا آنچه ظاهراً شرّ و بدی به نظر می‌رسد، مانند خزان یا مرگ و غیره، همگی در یک نظم کلی جهانی تأثیر مثبت دارند و به کمال نهایی طبیعت کمک می‌کنند. (درس ۱۰) (۱)

۹ از میان دو مفهوم وجود و ماهیت، وجود است که اصیل و واقعی است. واقعیت خارجی، مصداق و مابزای وجود است، پس وجود است که اصیل است نه ماهیت. (۱) میرداماد قائل به اصالت ماهیت بود. (درس ۱۱) (۰/۵)

۱۰ از نظر ملاصدرا با اینکه هستی یک حقیقت واحد است اما این حقیقت واحد، دارای درجات، مراتب و شدت و ضعف است. (۱) به کانون نور درخشانی تشبیه شده است. (درس ۱۱) (۰/۵)

← آزمون ۱۰ - دی ۱۴۰۰ (نوبت دوم)

۱ الف) نادرست (درس ۱) (۰/۲۵) ب) درست (درس ۵) (۰/۲۵) ج) نادرست (درس ۱۰) (۰/۲۵) د) درست (درس ۱۱) (۰/۲۵)

۲ الف) بالغیر (درس ۲) (۰/۲۵) ب) لوگوس (درس ۳) (۰/۲۵) ج) هیولانی (درس ۶) (۰/۲۵) د) وحی (درس ۸) (۰/۲۵)

۳ الف) وجود (درس ۱) (۰/۲۵) ب) فطری (درس ۳) (۰/۲۵) ج) امکان فقری (درس ۶) (۰/۲۵) د) شهود (درس ۷) (۰/۲۵)